

اماج‌شناسی جنگ نرم دلال‌بر هرفد قرار گرفتن همه ساخت‌های انسان دارد. ساخت اندیشه و باورها، ساخت عواطف و ذائقه‌ها و ساخت نمادها و رفتارها آماج اصلی جنگ نرم و میدان‌های مبارزه و نبرد نرم هستند.
منداها مثل بازیگران نرم با هدف قرار گرفتن اندیشه و باورها یا عواطف و ذائقه‌ها انتظار داشتندت نمادها و رفتارهای کنشگر مورد آماج را آن گونه که خود می‌خواهند و در راستای ایده‌ها و منافع خود جهت دهند و از این رهگذر تغییر ساختارهای(سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و…) بازیگر رقیب را محقق سازند.
امروزه به موازات الگوی موصوف، عاملان جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در تلاشند تا با آماج قرار دادن نمادها و رفتارها، به درون اندیشه،ایمان و عواطف کنشگران نفوذ کرده و از این طریق به هدف‌های مورد نظر دست یابند.

تغییر الگوی مصرف فرهنگی

یکی از شیوه‌ها برای هدف فوق، تغییر الگوی مصرف فرهنگی است؛ الگوی مصرف اساسا نوعی رفتار اجتماعی محسوب می‌شود و تغییر اصولی الگوی مصرف فرهنگی ضمن اینکه از طریق تغییر ذائقه فرهنگی حاصل می‌شود،خود نیز به مثابه نماد و الگوی رفتاری قادر به تغییر در حوزه اندیشه‌و نگرش‌ها می‌باشد.
با تغییرات الگوی مصرف می‌توان تغییرات فکری و باوری و همچنین تغییرات سبک زندگی را به وجود آورد.
تغییر سبک زندگی از طریق تغییر الگوهای مصرف فرهنگی و اقتصادی، یکی از جدی‌ترین سیاست‌های تهاجم نرم به شمار می‌آید.
براساس تحقیق دکتر کاظمی، «مصرف فرهنگی سبک زندگی ما را تشکیل می‌دهد، نیازها و تمایلات ما را سامان می‌دهد، مواد لازم را برای تولید ثروت، و رؤیاهای ما فراهم می‌کند. نشان‌دهندهٔ تفاوت‌ها و تمایزات اجتماعی است و نمایانگر تولیدات ثانویه

علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی کشور مبنی بر کاهش سن ازدواج و تسهیل آن و هم‌چنین به صدا درآمن زنگ خطر افزایش سن ازدواج در جامعه توسط کارشناس حوزه خانواده، نمایندگان فراکسیون زنان مجلس، در پی تصویب طرح افزایش سن قانونی ازدواج هستند که نتیجه آن دوشواری کردن بیش‌ازپیش ازدواج جوانان و افزایش بحران‌های اجتماعی است.

چندی است طرح افزایش سن قانونی ازدواج، از سوی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری است. در همین راستا پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان مجلس، از اعلام شدن این طرح با ۶۷ امضا به هیئت رئیسهٔ مجلس خبر داد. در طرح مذکور حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ و برای پسران ۱۸ سال در نظر گرفته‌شده است و هم‌چنین ازدواج بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی دختران و ۱۶ تا ۱۸ سالگی پسران ممنوع به اذن داد‌گاه صالح شده است. به علاوه اینکه ازدواج زیر این سنین به کلی ممنوع شده است. طرح مورد نظر فراکسیون زنان، تاکنون با مخالفت برخی از کارشناسان و نهادهای پژوهشی ازجمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و برخی اعضا، شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است اما در عمل شاهد حمایت برخی هنرمندان از این طرح و واکنش آنان مقابله با این مخالفت‌ها در فضای جامعه بودیم.

تفاوت نگرش به مفهوم خانواده و ازدواج، نکته مغفول استدلال موافقان این طرح
گفتنی است ردپای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ازجمله کنواسیون بین‌المللی حقوق کودک، سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، سند توسعه جمعیت و توسعه قاهره (ICPD) در استدلال موافقان طرح افزایش سن ازدواج به چشم می‌خورد که همه آنها بر جلوگیری از ازدواج نوجوانان زیر ۱۸ سال تمرکز کرده‌اند. این در حالی است که مفهوم ازدواج و تشکیل خانواده از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مفهوم ازدواج در نظام‌های حقوقی اجرائی‌گرا، مانند موافقت‌نامه‌ها علی‌الخصوص کشورهای غربی و نظام حقوقی کشورمان که متأثر از فرهنگ ایرانی-اسلامی است تفاوت آشکاری دارد. در فرهنگ غربی-اسلامی ایجاد امنیت خاطر، تأمین نیازهای عاطفی، روحی، جسمی و منوی افراد و تولید نسل آن‌ها، تنها در قالب ازدواج و تشکیل خانواده معنا پیدا می‌کند و افراد برای مصون ماندن از گزند آسیب‌ها و آفت‌ها، ازدواج در سنین پایین‌تر تشویق می‌شوند. ولی فرهنگ غرب

درست است که وفق اصل آزادی اراده انسان رپرویش وحباج خود مختار است اما این اصل با دوابع بزرگ تفاهد منضم مصالح برای زوجین روبروست و این دو مانع اصل آزادی را درخصوص پوشش وحباج صرفا درانجام محدود می‌سازد. چند وقتی استت که عده‌ای برآن شندند که بگویند مسئله حجاب امر شخصی است و اجبار حکومت برحجاب با اصل آزادی و اراده فرد منافات دارد. برای پاسخ این دسته ازافراد باید ازدیدگاه حقوقی، اصل آزادی اراده وموانع آن تحت عناوین نظم عمومی و اخلاق حسنه و رابطه حجاب با این دو عنوان بررسی شود.

اصل آزادی اراده و موانع آن

باتوجه به ادله موجود در فقه و حقوق، اصل آزادی اراده یک امر مسلم است و افراد آزاد هستند ربوع رابطه حقوقی اعم ازحق وتکلیف و برای خود ایجاد کنند. ازجمله آن می‌تواند موضوع حجاب باشد. اما نکته مهم و اساسی این است که اصل آزادی اراده فی نفسه برای صحت یک امری مقتضی است یعنی موقعی می‌توان به این اصل استناد نمود که موانع آن هم مفقود باشد و مهم‌ترین موانع اصل آزادی، اراده نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد و حال باید دید آیا مسئله آزادی درانتخاب حجاب خالی از موانع است یا دارای موانع سنگین نظم عمومی و اخلاقی حسنه می‌باشد.

مقدمه اول – مفهوم نظم عمومی

طبق تعریف حقوقدانان، قوانین مربوط به نظم عمومی قوانینی است که غرض از وضع آن حفظ منافع عمومی باشد و تخلف از آن نظمی را که در جامعه از حیث اقتصادی، سیاسی، اداری و خانواده حاکم است برهم زند به عبارت ساده‌تر قوانینی هستند که ارتباط مستقیم با آن منافع و مصالح جامعه است و این ارتباط به اندازه‌ای است که اصل حاکمیت اراده دربرابر آن بی‌ارزش است. به عنوان مثال تخلف از حقوق وتکلیف و زن و شوهر یا عده وفات و طلاق به میان می‌آید هدف از آن حفظ خانواده و بقای نسل است و به

ما در به کارگیری ابزارهای موجود است.» (کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

شاخصه‌های اشاعه مصرف‌گرایی فرهنگی

به طور کلی، امروزه‌اشاعه مصرف‌گرایی فرهنگی در جوامع گوناگون یکی از ششگردهای کارگزاران جنگ نرم است. از آنجا که الگوی مصرف فرهنگی ارتباط معنادار و وثیقی با سبک زندگی دارد، در جریان اشاعه الگوی مصرف فرهنگی، شاخصه‌های اصلی سبک زندگی آماج قرار می‌گیرد، اهداف اولیه

۱-اببداع، رواج و صدور مدهای لباس و پوشاک

افراد جامعه هر روز به دنبال مد هستند. مُد به‌ عنوان یک پدیده و فرایند اجتماعی در زمره الگوهای نفوذ اجتماعی استست که از طریق ایجاد الگوهای رفتاری به تأثیرگذاری در ذهنیت‌های اجتماعی می‌پردازد. مد به دو قسم مادی، مانند لباس و لوازم منزل و غیر مادی، مانند رفتارها، نحوه زندگی یا نگرش‌ها که در یک زمان به صورت مد نمودار می‌شوند، تقسیم می‌شود. با این حال،

«مد به تغییر سلیقه ناهگانه‌ی و مکرر همه یا برخی از افراد یک جامعه اطلاق می‌شود و منجر به گرایش به رفتاری خاص، یا مصرف کلای به خصوصی، یا در پیش گرفتن سبکی خاص در زندگی می‌شود.» (بولین رید، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

۲- معماری و نماي ساختمان‌ها

نمای ساختمان‌ها به مثابه یک شاخصه مهم فرهنگی و هویتی در زندگی شهروندی شناخته می‌شوند، به همین دلیل معماری استفاده شده در ساختمان‌ها تأثیر مستقیمی بر دیگر اجزا و

از این فرایند الیناسیون و شیبه‌سازی فرهنگی است. مهم‌ترین شاخصه‌ها دراشاعه مصرف فرهنگی، سبک معماری و ساختمان‌سازی‌ها، مصرف رسانه‌ای، شد و در دوره پهلوی به اوج خود رسید و پس از انقلاب به ویژه در دو دهه اخیر به شکل نوینی احیا شده است. استفاده از نماهای نامناسب و برداتی، هویت معماری ایران را زیر سؤال برد و است و برعکس معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی امروزه بسیار کم‌رنگ شده است.

۳- تغییر الگوهای موسیقایی

از آنجا که موسیقی یک وجه اساسی از نظام فرهنگی به‌شمار می‌رود، تا حد زیادی می‌تواند تعیین‌کننده برخی از جهت‌گیری‌های کلی فرهنگ و تغییرات فرهنگی باشد. مصرف موسیقی، بازگوکننده یکی از ابعاد مصرف و به تبع آن بیان‌کننده منش‌های مستقیمی در زندگی مردم جهان جدید است. اشاعه و رواج موسیقی‌های

اجتماعی

خارجی، مانند راک، پاپ، لجن‌سلسی و رپ در بین گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان و مهجور شدن موسیقی سنتی و بومی از مصداق تغییر الگوی مصرف موسیقایی در جامعه ایران است و به صورت برنامه‌ریزی شده این نوع مصرف تبلیغ و ترویج می‌شود، به گونه‌ای که موسیقی به از رسانه‌های داخلی پخش می‌شود کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. البته از نظر رهبر معظم انقلاب؛ «موسیقی‌ای که وقتی برای دختر و پسر جوان، یا حتی غیر جوان نواخته بشود، یا عرف بشود، یا شنیداری جهانی بیوند می‌دهد.

هد-تغییر الگوی مصرف پوشش
تغییر الگوسوی مصرف پوشش یکی دیگر از سیاست‌های اشاعه مصرف فرهنگی از بازیگران دولتی و غیردولتی جنگ نرم است. اگرچه نمی‌توان تغییرات در پوشش را به یک عامل محدود کرد، اما مهم‌ترین عامل در تغییر الگوی پوشش جامعه ایران،اشاعه الگوی‌های مصرف پوشش به صورت هدفمند از سوی نگاه‌های غربی است و دشمن به جهت کوتاهی نهادهای متولی و بی‌توجهی مسئولان و مسئولان واداده موفق شده الگوی پوشش را در کشور ایران تغییر بدهد. اکنون بازیگران مرم گام فراتری برای تغییر الگوی پوشش برداشته‌اند و از ترویج غیر مستقیم در مدد جنبش‌سازی در این راستا هستند چهارشنبه‌های سفید یکی از همه‌های است که برای ترویج بی‌حجابی از سوی دشمنان در کشور مطرح شد. در نتیجه، اگر فرهنگی به وادی مصرف کشیده شود و از تولید فرهنگی در هر عرصه‌ای تولید ایده تا تولید مد و پوشش براساس فرهنگ اسلامی و ملی باز ایستد، می‌توان نوعی از جنگ فرهنگی نرم را شناسایی کرد که هدف از آن، نه‌اندین کردن ازخودبیگانگی و تسلیم فرهنگی در جامعه هدف است.

۴- الگوی ارتباطات

الگوی ارتباطات با الگوی مصرف، رابطهٔ مستقیم دارد. از یک سو الگوی مصرف، حاصل مجموعهٔ پیام‌ها و علامتی استت که نگرش مردم را شکل می‌دهد و در رفتارهای مصرفی آنها تبلور می‌یابد. در این راستا، غرب با توجه به سطره‌ای که بر رسانه‌ها دارد و به ویژه با ظهور رسانه‌های ارتباطی نوین، الگوی مصرف رسانه‌ای جوامع را اگر غربی کرده است. هر جامعه‌ای از این حیث ضعیف‌تر است،

افزایش بحران‌های اجتماعی در نتیجه اقدام فراکسیون زنان مجلس

نظام حقوقی ایران، به دلیل اینکه تنها قالب مجاز برای پاسخ‌گویی به تمام نیازهای افراد، ازدواج قرار داده شده است، ظرفین مجبورند تا رسیدن به شرایط موردنیاز ازدواج و اشباع قانونی نیازهایشان، صبر بیشه کنند. از طرفی هرچه این فاصله زمانی میان بلوغ که به‌گونه‌ای که بر طبق آمارها میانگین سنی ازدواج در کشور رو به افزایش گذاشته و از ۲۰ سال قبل



است ازدواج‌ها ثبت محضری نشوند ولی شرعی و غیرمحضری صورت می‌گیرد. وی با اشاره به تدوین این لایحه‌ز از طریق معاونت امور زنان رئیس‌جمهور گفت: هدف از پرداختن به این مسائل فرعی، کم‌رنگ شدن مسائل اساسی جامعه است و اگر در برخی مناطق کشور ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد که دختر اختیار ندارد و به‌سه زور از ازدواج رای دست مشکل باید با آموزش و فرهنگ‌سازی مرتفع شود و با قانون مشکل حل نخواهد نشد.
حیثی با اشاره به تبعات قانون شدن این موضوع گفت: اگر دختر خانمی برای فرار از رابطه نامشروع بخواهد سمست ازدواج بیاید تا مورد تعرض و سوءاستفاده قرار نگیرد قانون مانعش می‌شود و این اتفاق زحمت و ناملایمتی و خسوت را برای آن دختر خانم ایجاد می‌کند در واقع مصداق درست کردن برو و کور کردن چشم است.

حیثی افزود: عدم ازدواج یا ازدواج با قانون قابل مدیریت نیست و ممکن

حجاب مظهر نظم عمومی و اخلاق حسنه

حجاب ازیک سو دارای قانون مصوب است و از آنجا که برای حفظ حریم‌ها وحرمت‌ها و نیز برای حفظ کیان خانواده و اجتماع تدوین شده است در قلمرو قوانین امره قرار می‌گیرد و مخالفت با آن و عمل کردن خلاف قانون امره مخالفت با نظم عمومی می‌شود چرا که درنظر

نگاه حقوقی به مسئله حجاب اجباری

قانونگذار حفظ منافع و مصالح جامعه در مسئله حجاب مبنای تدوین آن قرار گرفته است و منافع فردی با هر توجهی نمی‌تواند دلیل بر مخالفت آن قرار گیرد و لذا نظم عمومی مقدم بر آزادی اراده شخص در مسئله حجاب است.

از سوی دوم بر فرض درخصوص حجاب قانون هم نداشتیم ولی ازحیث داخل بودن در اخلاق حسنه نمی‌توان با آن مخالفت کرد چراکه اولاً

ازقدیم الایام مسئله پوشش وحباج درزند زنان ایرانی مرسوم بوده و به عنوان یک مسئله اخلاقی و اجتماعی آن را پذیرفته و بدان عمل کرده اند، ثانیاً اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران مسلمان هستند و در دین اسلام به اتفاق همه علما حجاب امری واجب است و مردم آن را به عنوان یک قاعده در زندگی خود پذیرفته‌اند و بدان عمل می‌کنند و در تعریف اخلاق حسنه عرض شد که یکی از مهم‌ترین عوامل منافع اخلاق حسنه دین، امنیت میباشد ثالثاً مسئله حجاب صرفا یک مسئله فردی نیست بلکه جنبه اجتماعی هم دارد که جنبه اجتماعی آن بر جنبه فردی غلبه دارد. همانگونه که در مقدمه سوم عرض شد برخی از احکام جنبه فردی دارد و مخالف با آن به عنوان حسنه لمطه‌ای نمی‌زند. به عنوان مثال شارع مقدس نماز را واجب دانسته و اگر کسی با آن مخالفت کند

آسیب‌پذیرتر هم می‌باشد. در غرب و آمریکا به طور ویژه برای تغییر الگوهای مصرف رسانه‌ای در ایران هزینه کرده می‌کنند.تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای الگوی مصرف موسیقایی در جامعه ایران است و به صورت برنامه‌ریزی شده این نوع مصرف تبلیغ و ترویج می‌شود، به گونه‌ای که موسیقی به از رسانه‌های داخلی پخش می‌شود کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. البته از نظر رهبر معظم انقلاب؛ «موسیقی‌ای که وقتی برای دختر و پسر جوان، یا حتی غیر جوان نواخته بشود، یا عرف بشود، یا شنیداری جهانی بیوند می‌دهد.

هد-تغییر الگوی مصرف پوشش

تغییر الگوسوی مصرف پوشش یکی دیگر از سیاست‌های اشاعه مصرف فرهنگی از بازیگران دولتی و غیردولتی جنگ نرم است. اگرچه نمی‌توان تغییرات در پوشش را به یک عامل محدود کرد، اما مهم‌ترین عامل در تغییر الگوی پوشش جامعه ایران،اشاعه الگوی‌های مصرف پوشش به صورت هدفمند از سوی نگاه‌های غربی است و دشمن به جهت کوتاهی نهادهای متولی و بی‌توجهی مسئولان و مسئولان واداده موفق شده الگوی پوشش را در کشور ایران تغییر بدهد. اکنون بازیگران مرم گام فراتری برای تغییر الگوی پوشش برداشته‌اند و از ترویج غیر مستقیم در مدد جنبش‌سازی در این راستا هستند چهارشنبه‌های سفید یکی از همه‌های است که برای ترویج بی‌حجابی از سوی دشمنان در کشور مطرح شد. در نتیجه، اگر فرهنگی به وادی مصرف کشیده شود و از تولید فرهنگی در هر عرصه‌ای تولید ایده تا تولید مد و پوشش براساس فرهنگ اسلامی و ملی باز ایستد، می‌توان نوعی از جنگ فرهنگی نرم را شناسایی کرد که هدف از آن، نه‌اندین کردن ازخودبیگانگی و تسلیم فرهنگی در جامعه هدف است.

تاکنون برای مردان ۳۴سال و برای زنان ۱۶ سال افزایش یافته است. از طرفی هم به گفته کارشناسان، سن بلوغ در میان نوجوانان ایرانی به‌طور میانگین ۱۵ سال کاهش یافته است و برخی پژوهشگران حوزه سلامت نیز ذکر کرده‌اند که سن اولین رابطه جنسی در میان نوجوانان رو به کاهش است. همه این‌ها حکایت از نزدیک شدن جامعه به گونه‌ای از بحران‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی، گسترش فساد و افزایش بیماری‌های روحی و روانی و شیوع افسردگی‌ها دارد و نمی‌توان گفت که افزایش حداقل سن بلوغ تا سن ازدواج در سال‌های اخیر در ایجاد آن بی‌تأثیر بوده است. در چنین شرایطی که نمایندگان ملت موظف‌اند طبق اصل ۱۰ قانون اساسی و بند چهارم سیاست‌های خانواده و بند دوم سیاست‌های جمعیت در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و کاهش سن ازدواج قدم بردارند، با ارائه طرحی در پی افزایش سن قانونی ازدواج گام برداشته‌اند که تصویب شدن آن به‌منزله افزایش دفعی و قابل‌توجه سن ازدواج و تسریع رسیدن جامعه به بحران‌های اجتماعی در آینده است.

تلاش برای ایجاد آمادگی ازدواج برای سنین پایین‌تر به جای پاک کردن صورت‌مسئله
درواقع اجرای شدن این طرح تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی به همراه خواهد داشت و منجر به افزایش دفعی قابل‌توجه سن ازدواج می‌شود و این افزایش دفعی در شرایط فعلی به میزانی خواهد بود که انتظار می‌رود تبعات ناگوار آن در یک بازه زمانی ۱۰ ساله متوجه کشور شود. می‌توان گفت ازدواج دختران و پسران در سنین کمتر از ۱۸ و ۱۶ سال به‌عنوان یک مسئله مطرح نیست بلکه عدم آمادگی‌های کامل جسمی و روحی آنان که غالباً در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند یک مسئله اصلی برای کشور است. مسئولین باید تمامی اهتمام خود را به کاربندند تا دختران و پسران در سنین پایین‌تر تمام آمادگی‌های لازم برای ازدواج را به دست آورند و همان‌طور که سن بلوغ جنسی کاهش یافته است سن بلوغ عقلی نیز کاهش یابد. درهرحال تصویب این طرح مانع بزرگی در مسیر تشکیل خانواده و در تضاد سیاست‌های کلی نظام در حوزه جمعیت است که عوالب جبران‌ناپذیر آن تا سال‌ها برای کشور باقی می‌ماند و بخش اعظمی از تلاش‌های صورت گرفته درزمینه کاهش سن ازدواج و غلبه بر مشکلات جمعیتی را بی‌نتیجه می‌کند.

اجتماعی شدن این طرح تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی به همراه خواهد داشت و منجر به افزایش دفعی قابل‌توجه سن ازدواج می‌شود و این افزایش دفعی در شرایط فعلی به میزانی خواهد بود که انتظار می‌رود تبعات ناگوار آن در یک بازه زمانی ۱۰ ساله متوجه کشور شود. می‌توان گفت ازدواج دختران و پسران در سنین کمتر از ۱۸ و ۱۶ سال به‌عنوان یک مسئله مطرح نیست بلکه عدم آمادگی‌های کامل جسمی و روحی آنان که غالباً در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند یک مسئله اصلی برای کشور است. مسئولین باید تمامی اهتمام خود را به کاربندند تا دختران و پسران در سنین پایین‌تر تمام آمادگی‌های لازم برای ازدواج را به دست آورند و همان‌طور که سن بلوغ جنسی کاهش یافته است سن بلوغ عقلی نیز کاهش یابد. درهرحال تصویب این طرح مانع بزرگی در مسیر تشکیل خانواده و در تضاد سیاست‌های کلی نظام در حوزه جمعیت است که عوالب جبران‌ناپذیر آن تا سال‌ها برای کشور باقی می‌ماند و بخش اعظمی از تلاش‌های صورت گرفته درزمینه کاهش سن ازدواج و غلبه بر مشکلات جمعیتی را بی‌نتیجه می‌کند.

است ازدواج‌ها ثبت محضری نشوند ولی شرعی و غیرمحضری صورت می‌گیرد. وی با اشاره به تدوین این لایحه‌ز از طریق معاونت امور زنان رئیس‌جمهور گفت: هدف از پرداختن به این مسائل فرعی، کم‌رنگ شدن مسائل اساسی جامعه است و اگر در برخی مناطق کشور ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد که دختر اختیار ندارد و به‌سه زور از ازدواج می‌کند این مشکل باید با آموزش و فرهنگ‌سازی مرتفع شود و با قانون مشکل حل نخواهد نشد.
حیثی با اشاره به تبعات قانون شدن این موضوع گفت: اگر دختر خانمی برای فرار از رابطه نامشروع بخواهد سمست ازدواج بیاید تا مورد تعرض و سوءاستفاده قرار نگیرد قانون مانعش می‌شود و این اتفاق زحمت و ناملایمتی و خسوت را برای آن دختر خانم ایجاد می‌کند در واقع مصداق درست کردن برو و کور کردن چشم است.

حیثی افزود: عدم ازدواج یا ازدواج با قانون قابل مدیریت نیست و ممکن

و نماز بجای نیابرد اگر چه مورد عتاب اخروی قرارخواهد گرفت ولی این مخالفت اثر اجتماعی نداشته و بطور مستقیم با مظاهر اجتماعی درگیری ندارد و به کسی لطمه‌ای وارد نمی‌کند و از آنجا که حجاب مختار است اما این اصل با دو مانع بزرگ نظم عمومی و اخلاق حسنه روبروست و این دو مانع اصل آزادی را درخصوص پوشش و



حجاب صرفا در اجتماع محدود می‌سازد. در پایان لازم به ذکر استت که اگر نظام جمهوری اسلامی بخواهد در این زمینه نسبت به کسانی که مخالف حجاب هستند موفق شود ابتدا باید فرهنگ سازی کند و با منطبق و آراش را از جامعه سلب خواهد نمود و امنیت روحی و روانی کشور را مختل خواهد کرد حکم حرمت را بر آن مترتب کرده است و حجاب هم از جمله موضوعاتی است که دارای آثار اجتماعی و دارای آثار مثبت و منفی در فرد و جامعه است، اگر بدان عمل شود هم فرد و هم جامعه در آراش اخلاقی پسرر خواهند برد و اگر رعایت نشود این سکون و آرامش از آنان سلب خواهد شد.

صفحه ۸
سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۹۷
۱۶ رجب ۱۴۲۹ – شماره۲۱۸۷۲

چرا بنیان خانواده در جامعه کنونی دچار آسیب شده است؟

تأثیرات منفی عمل نکردن به نسخه و الگوی اسلامی جایگاه زنان

ساره سلیمی

افول روابط خانوادگی در عصر حاضر، نتیجه تغییر نگرش به نوع زندگی است. شاید بتوان گفت رشد بی‌رویه طلاق و از هم گسستن بنیاد خانواده، نشانگر دور شدن بشر از اعتقادات مذهبی است؛ چراکه با مطالعه قرآن و احادیث وارده در زمینه حفظ بنیاد خانواده و تکریم زن درمی‌یابیم که بسیاری از مشکلات خانواده این عصر عدم آگاهی و یا عمل نکردن به این دستورات است. اسلام برای کوچک‌ترین نکات حفظ خانواده توصیه‌هایی دارد. مدیریت خانه و اقتصادی را به مرد داده استت و مدیریت امور خانه و روابط اعضای را به زن. شهید مطهری در نحوه تقسیم فضایل و وظایف زن و مرد این‌گونه می‌گوید: «عجاز خلقت را ببینید که دو تمایل در مرد و زن قرار داده‌است: در مرد حسن تسلط بر زن وجود دارد و در زن نیز حسن تسلط بر مرد وجود دارد، ولی اعجاز خلقت این دو حسن تسلط را طوری آفریده‌است که در زن تنها تضاد و نزاع با یکدیگر پیدا نمی‌کنند؛ بلکه منجر به وحدت بیشتر نیز می‌شوند، دستگاه عجیب خلقت که هدفش یگانه‌شدن دو روح است، این تدبیر را به کار برده‌است؛ که در مرد حسن تسلط بر زن را از بالای سر زن قرار دهد و از طریق حاکمیت ظاهری خانه و خانواده، و در زن حسن تسلط بر مرد را از طریق قلب. مرد از راه قیهرمانی می‌خواهد حاکم باشد و زن از طریق جمال و زیبایی زلفه. مرد این حکومت را می‌پذیرد و عجیب این است که حکومت زن را با کمال میل و رضا می‌پذیرد و هم‌چنین زن هم با میل و رضا حکومت مرد را می‌پذیرد. در این‌جاست که دو حسن تسلط، یکی در زن و دیگری در مرد هست، ولی چون از دو راه مختلف می‌آیند، حسن تسلط مرد از بالای سر زن و حسن تسلط زن از قلب مرد سر در می‌آورد، این دو حسن تسلط با یکدیگر جنگ نمی‌کنند که هیچ، یکدیگر را هم تأیید می‌کنند و منجر به وحدت و یگانگی و صفا و صمیمیت کامل میان این دو می‌شود و این قضیه‌ای است که از نظر روان شناسی کوچک‌ترین خدشه و خللی در آن وارد نیست.»

توجه به این نکته نشانگر این استت که اگر هر یک از زن و مرد در جای خود قرار گیرند و به فطرت خود عمل کنند، نتیجه همان چیزی می‌شود که هر دو طالب آن هستند. مرد با ویژگی‌های مردانه و زن با ویژگی‌های زنانه یکدیگر را مدیریت می‌کنند و این امر موجب گرم شدن نظام خانواده می‌شود. توجه به این تفاوت‌ها، راز پایدار نگاه داشتن شور و شوق در زندگی زناشویی است.



آیا امروز به نسخه اسلام درباره زن و خانواده عمل می‌شود؟

اما ای زن و مرد در زندگی مشترک خود به این دستورات عمل می‌کنند؟ اکثر زوجین با کمترین آمادگی قبلی وارد عرصه زندگی مشترک می‌شوند. منظور از آمادگی، آموزش صحیح و مناسب برای همسررداری است که معمولاً این آموزش‌ها از سنین کودکی باید شروع شود. به این معنا که وقتی اعتقادات درست مذهبی در فرد نه‌اندین شود، قطعاً در بزرگسالی، نتایج آن در رفتار و کردارش دیده خواهد شد. این آموزش‌ها تنها شامل مسایل مذهبی نمی‌شود؛ بلکه نوع تعامل اعضای خانواده و اطرافیان به‌خصوص پدر و مادر، همه و همه در ذهن فرد به‌عنوان الگو شکل می‌گیرد. از این رو ما شاهد این هستیم که دختر و پسر در اکثر مواقع، بعد از ازدواج دچار مشکلات زیادی می‌شوند. آن‌چه ما امروز بیشتر شاهد آن هستیم عدم آشنایی در خرد گذشتهگی زوجین در مقابل هم است. کم‌تحملی‌ها و بی‌صبری‌ها در مقابل مشکلات زندگی، در کنار عوامل دیگر، سبب شده ما امروز شاهد آمار بالایی از طلاق‌های توافقی در کشورمان باشیم. در حالی‌که قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَسْتَأْذِنُوا الْفُضْلَ بَیْنَهُمْ» (فضیلت‌ها را در زندگی مشترک به فراموشی نسپارید). (بقره، ۲۳۷)

آن چه در زندگی سنتی جامعه ایرانی تداول دارد، در مجموع مناسب‌ترین روش تمیز کار میان زن و مرد استت؛ مرد معاش خانواده را تأمین کند و زن بر هزینه‌ها و مخارج خانواده نظارت می‌کند و به امور خانه می‌پردازد، البته این بدین معنا نیست که زن فعالیت‌های اجتماعی بیرون از خانه نداشته باشد.

اما نکته ظریفی که در این میان وجود دارد که در بعضی از موارد حتی خود زن منکر نیازهای درونی و ذاتی خویش است؛ نیازهایی همچون میل به حمایت از طرف همسر و میل به مادر شدن. در اینجا باید پرسید چرا تفاوت‌های افتخارآفرین و غرورآنگیزی که به تناسب رسالت زن و مرد، در آنان به ودیعه گذاشته شده، تا هر یک به نحو احسن به مسئولیت خویش بپردازند، قابل نادیده‌انگاری است؟ گنیم که زن را به بهانه دفاع از تساوی حقوق به مقابله با مردان بخوانیم، آیا می‌توانیم او را به مقابله با خویشتن خود خود وادار کنیم؟ و حتی اگر جنبه‌های ظاهری و بیرونی، هم‌چنین تفاوت‌های فیزیولوژیک از قبیل تفاوت در اندازه، مغز، تفاوت‌های هورمونی و غیره را نادیده بگیریم، آیا از نظر روانی و درونی می‌توان او را با نیازهای ذاتی خود، به ستیزه وادار ساخت؟ این‌جاست که به نظر می‌رسد یافتن الگوی مناسبی برای نسل جوان ضرورت دارد. الگویی که با توجه به مسایل روز بتوان از آن بهره جست. رو آوردن زنان در اروپا به اسلام نشانگر این است که الگوهای ناقص غرب و حق تساوی که در فطرت برزی و مرد قایل هستند، جواب نداده است؛ و زن غربی به دنبال آن چیزی استت که در فطرت او به ودیعه گذاشته شده است. متأسفانه در جامعه امروز ما با وجود این‌که در اسلام دستورات و قوانین بسیار خوبی برای زن داریم، بعضی از زنان ما پیرو الگوهای غلط غربی‌اند. با نگاهی به زندگی زنان بزرگ تاریخ اسلام که برجسته‌ترین آن‌ها حضرت زهرا (س) است و الگو گرفتن از آن‌ها می‌توان به وضیعت کنونی خانواده بهبود داد. زندگی آن حضرت سراسر صحنه‌های زیبایی بود؛ از ساده‌زیستی و همکاری و هماهنگی با حضرت علی(ع) در همه عرصه‌های دفاع از حق و مجادلات دینی و الهی، حضرت فاطمه(س) خود را ملزم به تکریم و اطاعت از علی(ع) می‌دانست و ایشان نیز برای حضرت فاطمه(س) احترامی آن‌گونه که لایق و درخور اوست قایل بود. در واقع می‌توان گفت یک رابطه متقابل بر زندگی آن‌ها حکم‌فرما بود. حضرت زهرا(س) از حدود تأثیر و نفوذ زن در روحیه شوهر کاملاً مطلع بود و به این نکته توجه داشت که ترقی و عقب‌ماندگی و سعادت و بدبختی مرد، تا حد زیادی به روحیات و نوع رفتار زن بستگی دارد و این‌که خانه به‌منزله سنگر و آسیابگاه مرد است که وقتی از مشکلات دنیای خارج خسته شد، به آن پناه ببرد و تجدید نیرو کند و مدیریت این آسیابگاه به عهده زن است. از همین روست که اسلام شوهرداری را در ردیف جهاد قرار داده است.

زندگی حضرت علی(ع) و فاطمه(س) یک زندگی عادی نبود. علی(ع) سپهسالار شجاع و نیرومند اسلام و وزیر و مشاور مخصوص پیامبر بود. در آن زمان سپاه اسلام همیشه در حال آماده‌باش بود؛ در هر سال چندین جنگ واقع می‌شد، که حضرت علی(ع) در تمام یا اکثر آن‌ها شرکت داشت. حضرت زهرا (س)بی‌دانشت علی(ع) در صورتی در میدان نبرد پیروز می‌شود، که از جهت اوضاع داخلی فکرش آزاد باشد و به مهربانی‌های همسرش دلگرم باشد. از همین رو وقتی علی(ع) از میدان جنگ بر می‌گشت، فاطمه زحمت‌های تنش را با پانسمان می‌کرد، لباس‌هایش را می‌شست و خیرهای جنگ را از او می‌شنید. علی(ع) می‌فرماید: «وقتی به خانه می‌آمدم و به زهرا نگاه می‌کردم تمام هم و غمه‌هایم برطرف می‌شد.» شناخت دقیق حضرت زهرا (س) از نقش زن در خانواده و هم‌چنین رابطه متقابل حضرت علی(ع) سبب می‌شد، ایشان برخلاف تمام مشکلات مادی یک چنین زندگی زیبایی را در کنار هم تجربه کنند.

رهبر انقلاب درباره ارزش زن در برابر سختی‌های زندگی می‌فرماید: «خانم‌ها اگر از ناحیه همسرشان زحمتی متحمل شوند که آن همسر این زحمت را به‌خاطر کار و تلاش و مجاهدت، بر شما تحمیل می‌کند این زحمت پیش خدای متعال جبار دارد، ولو یک لحظه و یک ساعتش را هیچ‌کس نفهمد، خیلی‌ها از زحمت خانم‌ها آگاهی ندارند. مردم عادت کرده‌اند که خیال کنند زحمت، چیزی است که انسان با بز و باد و جنم خود انجام می‌دهد، نمی‌دانند زحمت روحی و عاطفی کاهي سنگین‌تر است از آفات، خیلی زحمت‌های شما را درست تلفت نینسند؛ اما خدای متعال که «لا یغنی علیه خافیة» است _ هیچ چیز از او پوشیده نمی‌ماند _ ناظر کار شمامت و شما جبار دارید.» ایشان همچنین می‌فرمایند: «اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند _ یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار بدهند _ آن وقت به مقام شامخ حقیقی خود نایل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمال‌اتعمنی و اخلاقی خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها _چه مرد و چه زن_ به طور یکسان در نظر گرفته است برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد؛ محیط خانواده گرم‌تر و باصفا‌تر خواهد شد؛ جامعه پیشرفت بیشتر خواهد کرد؛ و گروه‌های زندگی انسان‌تر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد، هدف این است. هدف صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه زن و مرد نیست.»

پایگاه برهان